



بی توجهی به علوم انسانی موجب نابودی فرهنگ می‌شود

استاد فلسفه ضمن انتقاد از وضعیت علوم انسانی در کشور، گفت: بی توجهی به علوم انسانی موجب از بین رفتن فرهنگ می‌شود و اگر به داد علوم انسانی نرسیم فرهنگمان از بین خواهد رفت.

استاد فلسفه ضمن انتقاد از وضعیت علوم انسانی در کشور، گفت: بی توجهی به علوم انسانی موجب از بین رفتن فرهنگ می‌شود و اگر به داد علوم انسانی نرسیم فرهنگمان از بین خواهد رفت.

به گزارش ایکننا، نشست «راوی حکمت» همراه با معرفی و نقد کتاب «جامع حکمت شرق و غرب» که مجموعه آثار غلامرضا اعوانی است، صبح امروز ۲۵ مهرماه در نمایشگاه دائمی کتاب موسسه اطلاعات برگزار شد.

در این نشست غلامرضا اعوانی، استاد پیشکسوت فلسفه اسلامی، سخنرانی کرد که گزیده آن را در ادامه می‌خوانید؛

بنده فلسفه را از جان و دل دوست دارم و اگر باز هم به دنیا بازگردم دوباره فلسفه می‌خوانم. من در فلسفه، سقراطی هستم چون سقراط جوایب حقیقت بود. در روایت داریم که حکمت گمشده مومن است. حکیم به معنای مطلق خدا است و اساسا عالم، ظهور حکمت است. مشوق من در این مسیر قرآن کریم بود و تا جایی که توانستم در پی حکمت بودم و آن را از شرق و غرب فراگرفتم.

در مورد این کتاب باید توضیح دهم که هر فردی با من در طول این سالیان مصاحبه کرده است، سوالات را از قبل به من نداده لذا مطالب همان لحظه از درون من جوشیده است. من این مصاحبه ها را از سال ۶۴ جمع کردم. این کتاب چند بخش دارد. غیر از بخش اول که زندگی من است، یک فصل از کتاب درباره تقدیر از خدمات بزرگان ایران است. متأسفانه نسل جوان با اساتید گذشته آشنایی ندارد. نسل جوان با فرهنگ ایرانی که بزرگترین فرهنگ غرب و شرق است آشنایی ندارد. لذا من در این فصل کتاب به خدمات علمی و فرهنگی بزرگان گذشته و کنونی پرداختم. پیوند حکمت و حکومت در ایران

یک بخش از کتاب راجع به تمدن ایرانی است. ایرانی ها قدر تمدن خود را نمی‌دانند؛ تمدنی که از درخشان ترین تمدن های دنیا است؛ چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام. متأسفانه توجه نمی‌شود که چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام، ایران همیشه به حکمت شناخته شده و اساسا تنها کشوری که چنین ویژگی داشته و دارد ایران بوده است. این حکمت نسل به نسل انتقال یافته و به دست ما رسیده است. اساسا در تاریخ ایران هر جا مرکز حکومت بوده مرکز حکمت نیز بوده است.

فصل بعد راجع به فلسفه و حکمت اسلامی است. ما حکمت را می‌خوانیم ولی این حکمت چه دردی از ما دوا می‌کند؟ باید حکمت ارتباطی با مسائل روز داشته باشد. یکی از ویژگی های ما این است که حکمت را از همه جا گرفتیم و تمدن اسلامی اولین تمدنی است که حکمت یونان را به نحو کامل به عالم اسلام منتقل کرد. امروز دنیا به این حکمت نیاز دارد و حکمت، گمشده جهان امروز است. شاید یکی از مزایای این کتاب این است که ناظر به مسائل روز است و در آن خیلی مسائل با حکمت ارتباط برقرار کرده است. اتفاقا تنها راه ارتباط دین با علوم و ارتباط علوم با دین از راه حکمت است.

چند مقاله از مقالات کتاب درباره فهم دین از دیدگاه حکمت است. جدل و کلام دشمنی می‌آورد و اساسا در دین جدل نیست بلکه حکمت است. جدال احسن هم یعنی بهترین شیوه جدال. یک فصل دیگر کتاب درباره علوم انسانی است. علوم انسانی در کشور ما غریب است و در این زمینه بسیار عقب هستیم. بی توجهی به علوم انسانی موجب از بین رفتن فرهنگ می‌شود و اگر به داد علوم انسانی نرسیم فرهنگ ما از بین خواهد رفت. کار انبیا هدایت عقل است

خداوند عقل را تکوینا به ما داده است. با عقل، علوم و فنون و فرهنگ به دست می‌آید. این همه علوم بشری به واسطه عقل به دست آمده است. ما به واسطه عقل است که علم داریم و قوانین کلی را ادراک می‌کنیم ولی این عقل آفتی دارد. از جمله آفات عقل شهوت و غضب است. بنابراین غیر از عقل قوای دیگری هم در ما هست. این شهوت صرفا به معنای شهوت جنسی نیست بلکه شهوت یعنی میل به همه چیز از جمله قدرت و شهرت. این قوا جلوی عقل را می‌گیرند و به همین خاطر کسانی که عقل بر آنها حاکم باشد بسیار اندک هستند.

یکی از شرایط حکمت این است که عقل بر قوای دیگر حاکم باشد. حکیم خداوند است و به ما آموخته که اگر بخواهید به سمت حکمت حرکت کنید باید از این موانع راحت شوید. پیامبر(ص) برای هدایت عقل انسان آمده است. پیامبران آمدند راه را نشان ما بدهند و عقل را هدایت کنند تا به سعادت برسد و این سعادت عنصر مشترک میان دین و حکمت به شمار می رود.